

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: نعیم سلیمی- امریکا
۱۸ دسمبر ۲۰۱۸



نوای دلخراش دنبوره دموکراسی وارداتی لیبرال افغانستان



منظور از دنبوره و یا تنبوره در اینجا یکی از سازهای دلربا و دلنشین زهی زخمه ای بلند موسیقی در گستره فرهنگی ازبیک ها و هزاره های کشور ما نیست ؛ بلکه هدف از آن اشارتی است به کشیدگی های اخیر میان کمیسیون های انتخاباتی اعم از خود کمیسیون مادر از یکطرف و فرزند نافرمان و نا خلف آن که عبارت است از کمیسیون شکایت های انتخاباتی که در این اواخر علیه قاعده خویش بغاوت نمود و شمارش آرای کابل را باطل اعلان نمود .

چگونگی داستان ایجاد چنین نهاد هائی را بایستی برای انتخابات در قانون اساسی موجود افغانستان به مثابه قانون مادر برای کلیه قوانین دیگر در کشور و سایر قوانین مربوطه به انتخابات که اساساً بنا بر سرشت ذاتی خویش غیر دموکراتیک می باشند و به شیوه گزینش انتصابی صورت می گیرند که حتی در پیشرفته ترین کشور های سرمایه داری جهان نیز بیکارگی ، زنگ زدگی و بی اثر بودن خود را به اثبات رسانیده اند ، جست و جود نمود . چنین نهاد ها و سایر

میکانیزم های مربوط درین عرصه در کنفرانس سال ۲۰۰۱ بن به تقلید از دموکراسی های لیبرال طرح و کاپی شد و بدون هیچ گونه تفاهم ملی و مشوره با مردم افغانستان در بیرون از مرز های افغانستان در آستانه یک تجاوز آشکار و اشغال از جانب اجانب بر مردم ما تحمیل



بناءً طبیعی است که در چنین ساختاری که از آغاز آن بحران زا بود و حالا که کشیدگی قدرت بنا بر شدت و حدت تضاد های درونی طبقاتی در داخل جامعه میان مردم زحمتکش افغانستان از یکطرف و مافیای قدرتی ثروتمند در داخل و خارج از نظام موجود از جانب دیگر بیشتر از هر وقت دیگری افزونی یافته است، نمی توان هیچ گونه امید و انتظاری را از یک هماهنگی پرتزه های ساختار سیاسی قدرت برد که سرکشی نهاد کمیسیون های سمع شکایات و نظارت بر انتخابات خود مبین آن است. در اینجاست که همان ضرب المثل وطنی که « مه

چی میگویم و دنیوریم چه میگویم » صدق می نماید؛ به نظر من دلایل این ناسازگاری را در پهلوی عوامل متعدد دیگر در دو نکته باید جست و جو نمود:

(۱) به درازا کشاندن اعلان نتایج برای کسب فرصت جهت میسر ساختن زمینه برای کاندید های مورد نظر متحد فاشیستی ارگ در ولسی جرگه در یک رقابت نا سالم با سایر رقبای مافیای قدرت؛



(۲) و یا هم اگر چنین نباشد لا اقل معکوس این فرضیه منطقی که عبارت است از فوران عقده ها و انزجار از جانب حلقات و اشخاصی که بوجی های پول اعم از افغانی و دالر را برای کسب کرسی ولسی جرگه به مصرف رسانیدند در این مورد صحت پیدا می نماید (البته موارد استثنائی انگشت شماری از انسانهای پاک مبری از چنین چیزی است)، حال که انتخابات ماه میزان به پایان رسیده؛ ولی نتایج آن تا همین اکنون هم در سراسر کشور و به خصوص

پایتخت علی رغم عقب نشینی های تحت فشار کمیسیون های شکایات، میزان و سنجش نشده است؛ البته آنهایی که با مصرف همه پولهای هنگفت، ضیافت های پرخرج و دسترخوانهای رنگین در برابر سفره های خالی بینوایان و لشکر فقرای میلیونی توده های مردم در این سرای لیلام حراجی مسابقه مزایده زنی (دو بالائی) در برابر رقبای پر قدرت تر و ثروتمند تر شکست خورده اند، آرام نمی شینند و برای خالی کردن باد ها و بخار های رنجش خویش بایستی کاری بکنند.

بالاخره در تحلیل نهائی باید خاطر نشان بسازم که کوه بزرگ میانتهی دموکراسی موجود که درون آن کاواک بوده و از کاه پر است آدمی را به یاد یکی از افسانه های اسطوره ئی یونان باستان از افسانه نویسنده مشهوری به نام آیزوپ Aesop می اندازد که حسب آن کوهپایه بزرگی حمل می بردارد و صدای مهیبی از آن بیرون می شود و پخش این مطلب طی آوازه هائی توقعات هیجان انگیز خارق العاده ای را میان مردم به وجود می آورد و در فرجام این کوهپایه موشی را متولد می سازد.

بلی خواننده گرامی؛ دموکراسی بی بنیاد افغانستان نیز مانند همین قصه افسانه ئی که به طور غیر مشروع در بن المان حمل برداشت بالاخره گاو موشی را متولد ساخت که اکنون چوپه های خودش را می بلعد ؛ یگانه چاره کار را باید در برکندن و هموار ساختن این کوه جست و جود نمود که بر سر مخروبه های آن بنای جدیدی از قدرت بر مبنای مشارکت مستقیم از نوع شورائی علنی ، آشکار و با صراحت با صلاحیت عزل و نصب مسؤولینی که مردم مستقیماً می گمارد و هر زمانی شورا تصور کند و مشاهده نماید که آنها به سمت فساد روان اند، خلع صلاحیت می نماید ، مبتنی بر تعاون و همکاری میان همه نیرو های دموکراتیک در چوکات یک اپوزیسیون جبهه متحد دموکراتیک انقلابی جست و جو نمود؛ حال برای دستیابی جزئیات چگونگی ایجاد چنین ساختاری همه نیرو های انقلابی بدون هیچ گونه درنگی از همین اکنون به مشورت و رأی پردازند ؛ زمان به سرعت در حرکت است و در جهت شما نیست ، نباید مانند نمونه مثال فرانسه که من در یکی از نوشته های قبلی به آن اشاره نمودم و یا سایر موارد دیگری نیرو های دموکراتیک و انقلابی دچار لنگش شوند .

من یک سوال بسببی را برای همگی شما مطرح و پیشنهاد می نمایم و آن این که وقتیکه جمهوری خواهان(محافظه کار) و دموکراتهای (لیبرال) که هر دو در واقعیت از یک تبار و تکه پاره لباسی به نام کاپیتالزم در امریکا، اروپا و سایر نقاط جهان برش و بخیه شده اند و می توانند در پهلوی هم زیست کنند و راه بروند، چرا نیرو های پراگنده و سالم جنبش انقلابی افغانستان که در واقعیت علمبردار حقیقی مبارزه برای آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی بوده اند، به خصوص نسل ها و نهال های جوانتر آن یکجا با سایر متحدان صادق به منافع وطنی شان صرفنظر از تمامی اعتقادات ایدئولوژیک و فکری ، نتوانند در گلستان زیبا گرد هم بیایند و این وطن را از حالت موجود نجات دهند و این است آنچه که در گذشته تحقق نپذیرفت و پیامد اندوهگین آن را هم در سطح ملی و هم در سطح جهانی مشاهده کردیم و می کنیم ؛ بناءً این اشتباه غلط و باطل نباید تکرار گردد .

چشم مام وطن در وحدت مردم ما و در پیشاپیش آن نیرو های روشنگر و مترقی آن است .

زنده و جاوید با مردم افغانستان!

پایان

دیگاه شما ...